

درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی أفعال الوضوء

موضوع جزئی: لزوم ابتدا به غسل از بالا

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

تاریخ: ۱۷ مهر ۱۳۹۷

مصادف با: ۲۹ محرم الحرام ۱۴۴۰

جلسه: ۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۵۳۴ بود. عرض شد که به نظر مرحوم سید (ره)، [هنگامی که شخص وضو می گیرد،] واجب است که مکلف شستن صورت را از بالا شروع کند، لکن واجب نیست که آب را از بالا بریزد. پس اگر آب را بر پایین صورت بریزد و به کمک دست، از بالا بشوید، وضو صحیح است.

عرض شد که مشهور بین متقدمین و متأخرین در این بحث، وجوب شروع شستن صورت از بالاست. برای این قول به ادله ای استناد شده است که یکی از آنها تمسک به اصالة الإشتغال است که در جلسه گذشته ذکر و بررسی شد. دلیل دیگر، روایت ابی جریر رقاشی بود که این روایت نیز مورد بررسی قرار گرفت و عرض شد که سنداً و دلالةً ضعیف است و استناد به آن بر مدعا [لزوم شستن از بالا به پایین]

تمام نیست.

روایت سوم: عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ؛ قَالَ: حَكَی لَنَا أَبُو جَعْفَرٍ (ع) وَضُوءَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؛ فَدَعَا بِقَدَحٍ مِنْ مَاءٍ فَأَدْخَلَ يَدَهُ الْيُمْنَى فَأَخَذَ كَفًّا مِنْ مَاءٍ فَأَسْدَلَهَا عَلَى وَجْهِهِ مِنْ أَعْلَى الْوَجْهِ، ثُمَّ مَسَحَ بِيَدِهِ الْجَانِبَيْنِ جَمِيعًا، ثُمَّ أَعَادَ الْيُسْرَى فِي الْإِنَاءِ فَأَسْدَلَهَا عَلَى الْيُمْنَى، ثُمَّ مَسَحَ جَوَانِبَهَا، ثُمَّ أَعَادَ الْيُمْنَى فِي الْإِنَاءِ، ثُمَّ صَبَّهَا عَلَى الْيُسْرَى فَصَنَعَ بِهَا كَمَا صَنَعَ بِالْيُمْنَى، ثُمَّ مَسَحَ بِلِلَّةٍ مَا بَقِيَ فِي يَدَيْهِ رَأْسَهُ وَرِجْلَيْهِ وَ لَمْ يُعِدْهُمَا فِي الْإِنَاءِ^۱.

روایت صحیح مذکور، در وجوب غسل وجه از بالا به پایین ظهور دارد.

بعضی به دلالت روایت مذکور، اشکال کرده و گفته اند که از کجا معلوم است که وضویی که امام (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده است، وضوی واجب است، بلکه شاید مرتبه ای از مراتب افضلیت وضو باشد که در این صورت، لازم نیست که از وضوی پیامبر (ص) تبعیت شود و آن گونه که ایشان وضو گرفته است، وضو گرفته شود.

در پاسخ از اشکال مذکور، عرض می شود که حمل وضوی پیامبر (ص) بر مرتبه افضل وضو صحیح نیست چون امثال روایت مذکور که در شرایط سخت آن زمان از امام (ع) صادر شده است، برای بیان نقطه مقابل وضوی متداول در آن عصر ظلمانی بوده است، یعنی اینکه امام باقر (ع) به زرارہ فرموده است که پیامبر (ص) این گونه وضو می گرفته است، به خاطر این بوده است که به زرارہ توجه بدهد که وضوهای که بقیه می گیرند، صحیح نیست زیرا پیامبر (ص) این گونه وضو می گرفته است. بنابراین، کیفیت

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۱۵، ص ۳۹۲، ح ۱۰.

وضوی پیامبر (ص) بر مرتبه افضل آن حمل نمی‌شود، بلکه منظور این بوده است که وضوی صحیح باید مثل وضویی باشد که پیامبر (ص) آن‌گونه وضو می‌گرفته است.

بنابراین، روایت مذکور، در وجوب غسل وجه از بالا به پایین ظهور دارد و این روایت به حسب ظاهر اشکالی ندارد و سنداً و دلالة مشکلی ندارد.

بعضی از بزرگان، مثل آیت الله خویی (ره) فرموده است که روایت مذکور، ذیلی دارد که علامه (ره) و شهید اول (ره) آن ذیل را بیان کرده‌اند و با رد آن ذیل، روایت مشکل پیدا می‌کند.

آیت الله خویی (ره) فرموده است که آن ذیل، این است: «إِنَّ هَذَا وضوءٌ لا يقبل الله الصلاة الا به». ایشان فرموده است که برای این ذیل دلیلی وجود ندارد و ما بعد از فحص و کنکاش در روایات چنین ذیلی را در روایات ندیدیم. بنابراین، علامه (ره) و شهید اول (ره) ممکن است که این ذیل را به صورت ارسال در رابطه با روایت مذکور، بیان کرده باشند، لکن به آیت الله خویی (ره) عرض می‌شود که اصلاً نیازی به ذیل مذکور، نیست چون خود متن روایت برای اثبات مدعا کفایت می‌کند.

آیت الله خویی (ره) هیچ‌یک از ادله مذکور [مبنی بر اثبات لزوم شستن صورت و دست‌ها از بالا به پایین] را نپذیرفته است و گفته است که تنها چیزی که می‌توان به عنوان دلیل به آن استناد کرد، تسالم فقهاء أقدمین و سیره اصحاب ائمه (ع) است، مبنی بر اینکه برای ما نسلأ بعد از نسل و یدأ بعد از ید نقل شده است که مسلمانان در هنگام وضو گرفتن، صورت و دست‌ها را از بالا به پایین می‌شسته‌اند و مخالفی نیز در این رابطه وجود ندارد جز سید مرتضی (ره) و بعضی دیگر که معتقدند که شستن از بالا به پایین لازم نیست. آیت الله خویی (ره) در ادامه فرموده است که اگر تسالم فقهاء و سیره اصحاب ائمه (ع) نبود، وجه دیگری برای لزوم شستن از بالا به پایین نبود، ولی مطمئن می‌شویم که چنین سیره‌ای وجود دارد و شستن از بالا به پایین صورت امر واجبی بوده است؛ نه اینکه در وضوهای مستحبی و از باب افضلیت از بالا به پایین شسته باشند.

مرحوم سید (ره) در ذیل مسأله ۵۳۴ فرموده است: «لكن لا يجب الصبّ على الأعلى، فلو صبّ على الأسفل و غسل من الأعلى بإعانة اليد، صح»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، ریختن آب بر بالا [ی صورت و دست‌ها] واجب نیست. پس اگر وضو گیرنده آب را بر پایین صورت بریزد و با کمک دست، از بالا به پایین بشوید، وضویش صحیح است.

دلیل عدم وجوب ریختن آب بر بالای صورت و دست‌ها [در هنگام وضو گرفتن]، این است که ترتیب [از بالا به پایین شستن] در غسل واجب است، اما ترتیب در صبّ (آب ریختن) واجب نیست و دلیلی بر لزوم آب ریختن بر بالا نیست چون صبّ، جزء وضو نیست، بلکه مقدمه غسل است لذا ریختن آب جزء وضو نیست، بلکه آنچه جزء وضو است، شستن صورت و دست‌هاست.

مبنای آیت الله خویی (ره) در باب وضو و غسل این است که مأثورّه در وضو و غسل عبارت از احداث و ایجاد غسل است، یعنی ابقاء و استمرار کفایت نمی‌کند؛ به این معنا که وضو باید احداثی باشد و ابقائی و استمراری نباشد. معنای این کلام این است که احداث وضو با صبّ الماء است و ابقاء و استمرار وضو با غسل است. پس نظر آیت الله خویی (ره) این است که امر به غسل در رابطه با وضو و غسل باید جنبه احداثی داشته باشد، در صورتی که در مانحن‌فیه، جنبه احداثی در کار نیست و احداث به وسیله

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۱۸.

صَبَّ است که وضو نیست و این کفایت نمی‌کند لذا در مانحن‌فیه، اگر مکلف آب را از بالا نریزد، بلکه از پایین بریزد و بعد بخواهد به کمک دست، صورت را از بالا به پایین بشوید، این غَسَل به حسب ایجاد و احداث صدق نخواهد کرد، بلکه به حسب بقاء و استمرار صدق خواهد کرد در حالی که غَسَل باید غَسَل احداثی باشد و غَسَل ابقائی نباشد، یعنی غَسَل وضویی و معتبر، آن غَسَلی است که از زمان حدوث، از بالا به پایین باشد؛ نه اینکه بعد از اینکه حادث شد، بقاءً و استمراراً با کمک دست، از بالا به پایین شسته شود. نتیجه فرمایش آیت الله خویی (ره) این است که بین صَبَّ و غَسَل فرقی نیست.

پاسخ از کلام آیت الله خویی (ره)

اولاً کلام آیت الله خویی (ره) بر مبنای خودشان است، لکن بسیاری از فقها این مبنا را قبول ندارند و معتقدند که آنچه در وضو معتبر است، این است که در وضو صورت باید از بالا به پایین شسته شود و نگفته‌اند که غَسَل حتماً باید جنبه احداثی داشته باشد. بنابراین، بین صَبَّ و غَسَل تفاوت وجود دارد لذا غَسَل باید از بالا به پایین باشد، ولی لازم نیست که صَبَّ الماء نیز حتماً از بالا باشد.

ثانیاً وضو و غَسَل از عناوین قصديه‌اند لذا وضو و غَسَل از زمانی صدق می‌کنند که شخص قصد وضو و غَسَل کند لذا با صرف آب ریختن، نمی‌توان گفت که وضو و غَسَل شروع می‌شود، بلکه زمانی که شخص از بالای صورت و دست‌ها با قصد وضو شروع به شستن کند، وضو شروع می‌شود.

مسأله ۵۳۵: «الإسراف فی ماء الوضوء مکروه، لکن الإسباغ مستحبّ و قد مرّ أنّه يستحبّ أن یکون ماء الوضوء بمقدار مدّ و الظاهر أنّ ذلک لتمام ما یصرف فیه من أفعاله و مقدّماته؛ من المضمضة و الاستنشاق و غسل الیدین»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، اسراف در آب وضو، مکروه است، لکن إسباغ [پر آب کردن و شاداب کردن صورت و دست‌ها در هنگام وضو گرفتن] مستحب است و قبلاً گذشت که مستحب است که آب وضو به مقدار یک مُد باشد و ظاهر این است که آن مُد برای تمام آنچه که در وضو از افعال و مقدمات صرف می‌شود، از مضمضة و استنشاق و شستن [اولیه] دست‌ها، می‌باشد.

مسأله مذکور، سه فرع دارد:

فرع اول، اینکه اسراف کردن در آب وضو مکروه است.

فرع دوم، اینکه إسباغ مستحب است.

فرع سوم، اینکه مستحب است که آب وضو به مقدار یک مُد باشد و آن مُد برای همه افعال و مقدمات وضو، مصرف شود.

بررسی فرع اول

نسبت به کراهت اسراف به روایت ذیل استناد شده است:

عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «إِنَّ لِلَّهِ مَلَكًا يَكْتُبُ سَرَفَ الْوُضُوءِ كَمَا يَكْتُبُ عُدْوَانَهُ»^۲؛ خداوند متعال فرشته و ملکی دارد که اسراف وضو را می‌نویسد؛ آن‌گونه که تجاوز از حکم وضو [، مثل شستن موضعی که نباید شست، مثلاً به جای مسح پا آن را بشوید] را نیز می‌نویسد یا اینکه تقصیر و کوتاهی در وضو را نیز می‌نویسد [، مثل اینکه باید دست بکشد تا آب جریان پیدا کند و شخص این کار را نکند] یا اینکه شستن عضو زائد بر اعضای وضو را می‌نویسد.

۱. همان.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۵۲، ص ۴۸۵، ح ۲.

اشکال به استدلال به روایت مذکور

روایت مذکور، سنداً از دو جهت ضعیف است؛ اول، اینکه شخصی به نام محمد بن الحسن بن شَمُون که ضعیف است و نجاشی او را تضعیف کرده است، در سند روایت واقع شده است و جهت دیگر، این است که سهل بن زیاد در سند این روایت واقع شده است که او نیز تضعیف شده است؛ هرچند که بعضی گفته‌اند که الأمر فی السهل سهل.

البته ضعف مذکور، نمی‌تواند مشکلی ایجاد کند چون در مستحبات و مکروهات از باب تسامح در ادله سنن می‌توان به امثال روایت مذکور، استناد کرد و به روایت صحیحه معتبرالسند نیاز نیست.

«الحمد لله رب العالمین»